



بررسی تجدید ارائه صورت‌های مالی بر مبنای پاداش مازاد و صلاحیت حسابداری مدیران

محسن رشیدی باغی*، مریم شیخی**، نویدرضا نمازی***، سرلک، زینب****

چکیده

مدیران دارای صلاحیت حسابداری با توجه به پیشینه عملیاتی، توانایی دستکاری فعالیت‌های شرکت در جهت منافع شخصی را دارا هستند. هدف این مقاله بررسی تجدید ارائه صورت‌های مالی بر مبنای پاداش مازاد و صلاحیت مدیران است. در راستای تحلیل موضوع مورد بررسی با استفاده از مدل رگرسیونی داده‌های ترکیبی، در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ داده‌های مربوط به ۹۳۶ سال-شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران گردآوری و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که پاداش مازاد بر تجدید ارائه صورت‌های مالی (حق‌الزحمه حسابرسی) تاثیر تایید (رد) شده است. همچنین، نتایج پژوهش بیانگر این است که صلاحیت حسابداری مدیران اثر معناداری بر تجدید ارائه صورت‌های مالی (حق‌الزحمه حسابرسی) ندارد (دارد). نتایج پژوهش مبنی بر این که صلاحیت حسابداری مدیران تاثیر معناداری بر ارتباط بین پاداش مازاد و تجدید ارائه صورت‌های مالی دارد (حق‌الزحمه حسابرسی) تایید شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش تجدید ارائه صورت‌های مالی در قالب تحریف در واحدهای تجاری با مدیران دارای انگیزه دریافت پاداش مازاد، بالا است. همچنین، حساب‌رسان به منظور کنترل رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران و نیز کاهش سطح ریسک برآوردی، اقدام به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: پاداش مازاد، تجدید ارائه صورت‌های مالی، صلاحیت حسابداری مدیران

مقدمه

ویژگی‌های شخصیتی مدیران مشتمل بر صلاحیت حسابداری و اطلاعات مالی امکان تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های آنان و عملکرد شرکت را دارد و در نهایت می‌تواند منجر به گزارشگری مالی مساعد یا متقلبانه شود. هدف از این مطالعه بررسی صلاحیت حسابداری مدیران و تاثیر آن بر تحریف در صورت‌های مالی است. تجربیات پیشین مدیران شرکت به عنوان مدیر یا شرکای حسابرسی می‌تواند معیاری از صلاحیت حسابداری باشد. صلاحیت حسابداری، تجربه و دانش گسترده‌ای در مورد کیفیت اطلاعات حسابداری و کنترل‌های داخلی به تیم اجرایی ارائه می‌دهد. همچنین دانشگاهیان، پژوهشگران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و الزامات بورسی، معمولاً بر افزایش سطح صلاحیت حرفه‌ای حسابداری و ارائه گزارش‌های مالی عاری از اشتباه تمرکز دارند. نتایج پژوهش‌های قبلی حاکی از آن است که تجربه حسابرسی، با کاهش تحریف گزارش‌های مالی و کنترل ناکارآمدی‌های مالی همراه است. با شناخت نوع و شدت تاثیر متغیر صلاحیت حسابداری مدیران، می‌توان در عمل به رسیدگی‌های حسابرسی و اهمیت حسابرسی مبتنی بر ریسک جهت داد. از بعد کنترل‌های داخلی نیز شرکت‌ها نسبت به صلاحیت حسابداری مدیران و اثر آن بر کیفیت گزارشگری مالی آگاهی و شناخت پیدا می‌کنند.

با این حال، صلاحیت حسابداری به عنوان یک شمشیر دولبه توصیف می‌شود، که از یک جهت منجر به توسعه دانش حسابداری و کنترل‌های داخلی شده و از طرفی، اطلاعات گسترده‌ای نسبت به رویه‌های حسابرسی و فنون مذاکره با حسابرسان ارائه می‌دهد (لینوکس^۱، ۲۰۰۵). در حالت تردید حسابرس مستقل نسبت به گزارش‌های اشتباه حسابداری، مدیران دارای صلاحیت حسابداری از توانایی بالای خود در پنهان کردن تحریف‌ها و یا جلوگیری از تعدیلات دوره جاری استفاده می‌کنند. در همین راستا، پژوهش‌های پیشین پیامدهای منفی در مورد تجربه حسابرسی و استقلال حسابرس را مطرح کرده‌اند. حسابرسان در شرکت‌هایی با مدیران دارای تجربه حسابرسی قبلی، نظرات شفاف‌تری ارائه می‌کنند (لینوکس، ۲۰۰۵). تقلب به صورت مستمر و بالقوه در شرکت‌ها وجود دارد و غالباً با ارائه نادرست و مبهم گزارش‌های مالی شروع می‌شود. در همین زمینه از مثلث تقلب برای شناسایی شرایطی استفاده می‌شود که در آن جنبه‌های منفی صلاحیت حسابداری مطرح می‌شود (ترامپتر و همکاران^۲، ۲۰۱۴).

وجود پیشینه اجرایی مشترک بین مدیران و حساب‌برسان می‌تواند منجر به اعتماد بیش از حد به مدیران و نیز امکان کشف اشتباهات و اصلاحات توسط شرکت شود. اعتماد زیاد حساب‌برسان به مدیران با انگیزه و دارای صلاحیت حسابداری، امکان انعطاف‌پذیری بیشتر در گزارشگری مالی را فراهم می‌کند که نشان‌دهنده وجود رابطه متقابل بین صلاحیت حسابداری و انگیزه‌های مبتنی بر پاداش و تحریف است (برگستر و فلیپسون، ۲۰۰۶). از طرف دیگر، ممکن است حساب‌برسان بیش از حد به صلاحیت حسابداری مدیران در هنگام ترکیب با انگیزه‌های مبتنی بر پاداش برای ارائه نادرست صورت‌های مالی اتکا کنند. داشتن پیش‌زمینه مشترک با مدیران می‌تواند حساب‌برسان را شکاک‌تر کند. این همان استدلال رقابتی حساب‌برسان برای درخواست حق‌الزحمه‌های حسابرسی است. به این صورت که اگر حساب‌برسان به مدیران اعتماد بیشتری داشته باشند حق‌الزحمه کمتری درخواست می‌کنند و اگر شک بیشتری داشته باشند، حق‌الزحمه بیشتری را درخواست خواهند کرد (هریس و بروملی، ۲۰۰۷). مدیران توانمند، منافع بیشتری را از داشتن صلاحیت حسابداری کسب می‌کنند و در نتیجه آن احتمال تحریف (با توجه به انگیزه کسب پاداش بیشتر)، افزایش می‌یابد. اما از آنجا که حساب‌برسان نسبت به افزایش درآمد مدیران حساس هستند (نلسون، لیوت و تارپلی، ۲۰۰۲)، توانایی مدیران منجر به افزایش شک و تردید حساب‌برس می‌شود و به صورت بالقوه منجر به افزایش ریسک حسابرسی و حق‌الزحمه درخواستی می‌گردد (بنکر و همکاران، ۲۰۱۳).

پژوهش‌های انجام شده توسط رضازاده و محمدی (۱۳۹۸) و خواجه‌وی و قدیریان (۱۳۹۷) متمرکز بر نقش توانایی‌های مدیریت در تصمیم‌گیری‌های تجاری و بهبود گزارش‌های مالی است و جنبه منفی توانایی مدیران در قالب صلاحیت حسابداری مدنظر قرار نگرفته است. با این حال، در شرایطی که توانایی بالای مدیریت با ایجاد فرصت و انگیزه دستیابی به منافع شخصی، منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی و یا حتی کاهش کیفیت حسابرسی (در نتیجه اعتماد حساب‌برس به مدیران) شود، ارزیابی و کنترل ریسک حسابرسی با محدودیت مواجه می‌شود. در این پژوهش برآنیم تا با کنترل اثرات منفی صلاحیت حسابرسی، کنترل ریسک را مدنظر قرار دهیم. از بعد اجرایی نیز نتایج این پژوهش می‌تواند به عنوان یکی از موارد ایجاد‌کننده ریسک در مدل‌های حسابرسی مبتنی بر ریسک لحاظ شود و یا حتی در حسابرسی داخلی در قالب یکی از اجزای محیط کنترلی

در چارچوب کوزو مورد ارزیابی قرار گیرد. ادعای دیگری نیز در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد. رویکرد گزارشگری برگرفته از توانمندی و صلاحیت مدیران است. به عبارت دیگر، صلاحیت حسابداری مدیران، بر ملاحظات مربوط به تحریف در صورت‌های مالی موثر است. از این رو سوالات اصلی این تحقیق به شرح زیر است:

- (۱) آیا صلاحیت حسابداری بر تجدید ارائه صورت‌های مالی موثر است؟
- (۲) آیا می‌توان رابطه‌ی بین انگیزه پاداش و حق‌الزحمه حسابرسی را با در نظر گرفتن میزان صلاحیت حسابداری مدیران بررسی کرد؟

مبانی نظری و تدوین فرضیه‌ها

پاداش، صلاحیت حسابداری مدیران و تجدید ارائه صورت‌های مالی

تمایل مدیران در راستای دستکاری صورت‌های مالی، تابعی از سه عامل انگیزه، فرصت و نگرش است (ترامپتر و همکاران، ۲۰۱۴). هر یک از این مجموعه مهارت‌ها می‌تواند برای مدیران فرصتی جهت مدیریت سود، بدون کشف یا تعدیل گزارش حسابرسی فراهم کند (حدافل در کوتاه‌مدت). با این حال، صلاحیت حسابداری لزوماً به تنهایی نباید منجر به تحریف گردد و تنها زمانی جنبه‌های منفی بالقوه صلاحیت حسابداری قابل مشاهده است که با سایر عوامل ایجادکننده ریسک، ترکیب گردد (آلبریچت و همکاران، ۲۰۱۸).

انگیزه مدیران برای تحریف صورت‌های مالی، حفظ جایگاه فعلی (دایکولی و همکاران، ۲۰۱۴)، افزایش منافع شخصی (برگرسترز و فیلیپسون، ۲۰۰۶) و یا دستیابی به دستمزدهای بالاتر (به این دلیل که حقوق رابطه مثبتی با عملکرد گذشته دارد) است (اشلیفر و ویشنی^۷، ۱۹۸۹). به عبارتی، انگیزه‌های سوءاستفاده و تحریف صورت‌های مالی مبتنی بر جنبه‌های مختلف طرح‌های پاداش است (کور و همکاران^۸، ۱۹۹۹). پاداش پرداختی به مدیران تابعی از روند سودآوری و عملکرد مساعد شرکت است و در صورتی که پاداش در نتیجه دستکاری فعالیت‌های شرکت به مدیران پرداخت شود، بیانگر بخش مازاد پاداش بوده که در نتیجه عوامل غیر اقتصادی ایجاد شده است. انگیزه‌های مبتنی بر پاداش (که به عملکرد شرکت بستگی دارد) و عدم توانایی حسابرس در کشف یا تعدیل هر گونه تحریفی که رخ می‌دهد، انگیزه لازم را برای دستکاری گزارش‌های سود به منظور افزایش منافع دریافتی، فراهم می‌کند. به عبارتی، زمانی که احتمال کشف و تعدیل

تحریف‌ها کم ارزیابی شود، مدیران اقدام به دستکاری صورت‌های مالی می‌کنند. در همین راستا، ویساکي (۲۰۱۰) نشان داد که پاداش پرداختی منجر به تغییر برآورد ریسک حسابرسی می‌شود. ارزیابی محدود بودن احتمال کشف و تعدیل ناشی از این است که الف) مدیران بر این باورند که مبلغ کشف تقلب کمتر از منافع آتی حاصل از تحریف و ارائه نادرست است، ب) مدیران انتظار دارند که این انحرافات را می‌توان در سال‌های آتی و قبل از کشف، اصلاح کرد و ج) در صورت کشف، مدیران انتظار دارند که حسابرس را متقاعد کنند که تحریف غیرعمدی بوده است (فقط یک انتخاب جسورانه در اصول پذیرفته شده حسابداری است) (آلبریجت و همکاران، ۲۰۱۸).

مدیران دارای صلاحیت حسابداری به دلیل داشتن سابقه حسابرسی به عنوان مدیر یا شریک، توان بالاتری در دستکاری صورت‌های مالی دارند (لو و همکاران، ۲۰۱۰). تحریف صورت‌های مالی معمولاً توسط افراد خلاق، باتجربه، باهوش و با شناخت دقیقی از کنترل‌ها و نقاط ضعف شرکت صورت می‌گیرد. افزون بر این، مدیران دارای صلاحیت حسابداری، تجربه بالایی در ارتباط با تجزیه و تحلیل خروجی‌ها و گزارشگری مالی دارند. در نتیجه، این دسته از مدیران توانایی بالایی در درست جلوه دادن گزارش‌های مالی دارای تحریف دارند. از طرفی، وجود مبنای مشترک مدیران با حساب‌رسان مستقل و اعتماد بیشتر به مدیریت، کشف تحریف و سوءاستفاده را در کوتاه‌مدت کاهش می‌دهد (وولف و هرمانسون، ۲۰۰۴).

فرضیه اول: پاداش مازاد مدیران تاثیر مثبت و معناداری بر تجدید ارائه صورت‌های مالی دارد.

فرضیه دوم: صلاحیت حسابداری مدیران تاثیر مثبت و معناداری بر تجدید ارائه صورت‌های مالی دارد.

فرضیه سوم: صلاحیت حسابداری مدیران منجر به تغییر ارتباط بین پاداش مازاد و تجدید ارائه در صورت‌های مالی دارد.

پاداش و صلاحیت حسابداری مدیران

نتایج پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که در برخی شرایط حساب‌رسان به دلیل افزایش سطح نامناسبی از اعتماد و اطمینان نسبت به ادعاهای مدیریت، حسابرسی را به سمت نامناسبی سوق می‌دهند. اعتماد بیش از حد به ادعاهای مدیران و کاهش سطح

استقلال نیز می‌تواند باعث کاهش احتمال کشف تحریف و تعدیل گزارش‌های حسابرسی گردد (منون و ویلیام^{۱۱}، ۲۰۰۴). در همین راستا، لینوکس (۲۰۰۵) نشان داد که وابستگی شغلی قبلی مدیریت به موسسه حسابرسی می‌تواند منجر به کاهش کیفیت حسابداری و حسابرسی گردد.

عدم استقلال یا اعتماد بیش از حد حساب‌برسان، باعث می‌شود که مدیران انتظار کشف کمتری را داشته باشند و امکان افزایش تحریف با وجود صلاحیت حسابداری و انگیزه مبتنی بر پاداش را نیز بیشتر می‌کند. از سوی دیگر، زمانی که صلاحیت حسابداری با انگیزه‌های مبتنی بر پاداش ترکیب شود، ریسک حسابرسی افزایش می‌یابد. حساب‌برسان به منظور کنترل ریسک و انگیزه‌های مبتنی بر پاداش مدیران، نیاز به برنامه‌ریزی و سرپرستی دقیق‌تر عملیات و یا حتی افزایش تعداد پرسنل عملیاتی دارند که در نتیجه آن حق‌الزحمه حسابرسی روند افزایشی خواهد داشت (سجادی و همکاران، ۱۳۹۴). در واقع پژوهش‌های قبلی (از جمله کانان و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۴؛ کیم و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۵) حاکی از وجود رابطه مثبت بین انگیزه‌های مبتنی بر پاداش و حق‌الزحمه حسابرسی است. از آنجا که حساب‌برسان به خوبی از تجربیات گسترده مدیران اجرایی آگاه هستند، داشتن پیش زمینه مشترک با مدیران دارای صلاحیت حسابداری می‌تواند تردید حساب‌برسان را افزایش دهد (آرمسترانگ و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۳). شک و تردید حساب‌برسان نسبت به مدیران دارای صلاحیت حسابداری و انگیزه مبتنی بر پاداش منجر به ایجاد رابطه منفی بین ویژگی‌های مدیریت و تحریف در صورت‌های مالی می‌شود. در مجموع، افزایش اعتماد یا افزایش شک و تردید حساب‌برسان، اثر متضادی بر تحریف و ارائه نادرست صورت‌های مالی دارد که تحت تاثیر صلاحیت حسابداری و انگیزه‌های مبتنی بر پاداش قرار می‌گیرد (فارگر و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۴) که در نتیجه آن انتظار افزایش حق‌الزحمه حسابرسی وجود دارد. در همین راستا، گال و همکاران^{۱۶} (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که پاداش پرداختی به مدیران منجر به افزایش انگیزه دست‌کاری ارقام تعهدی و مدیریت سود می‌شود که در نتیجه آن ریسک حسابرسی افزایش یافته و حساب‌برسان به منظور کنترل ریسک در سطح قابل قبول، حق‌الزحمه بالاتری درخواست می‌دهند. همچنین، شرکت‌هایی که حق‌الزحمه حسابرسی مستقل بیشتری دارند (که نشان از تقاضای بیشتر برای نظارت بر گزارشگری مالی توسط افراد متخصص است)، دستمزد و پاداش بیشتری به کمیته حسابرسی پرداخت کرده‌اند

(انجل و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۰).

فرضیه چهارم: پاداش مازاد مدیران بر حق‌الزحمه حسابرسی تاثیر منفی دارد.

فرضیه پنجم: صلاحیت حسابداری مدیران بر حق‌الزحمه حسابرسی تاثیر منفی دارد.

فرضیه ششم: صلاحیت حسابداری مدیران تاثیر معناداری بر ارتباط بین پاداش مازاد و

حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

انگیزه تحریف صورت‌های مالی تابعی از ریسک‌های مرتبط با آن است که بسته به دیدگاه مدیران درباره پیش‌بینی ریسک در صورت‌های مالی، متغیر است. نتایج پژوهش‌های پیشین حاکی از آن است که عدم اطمینان محیطی و تغییر بخش‌های تجاری می‌تواند انگیزه و اختیارات مدیران را برای دستکاری اطلاعات حسابداری و پنهان کردن هزینه‌های ناشی از عدم تقارن در توزیع اطلاعات، افزایش دهد. نتایج حاکی از آن است که با توجه به توانایی مدیران در بازار، ریسک‌های بالقوه ناشی از ضعف در کنترل‌های داخلی به سازوکاری محتوایی برای مدیران به منظور تغییر ارقام صورت‌های مالی تبدیل شده است. همچنین، تغییر در حق‌الزحمه حسابرسی تابعی از ریسک مالی و عملکرد شرکت می‌باشند. زیان شرکت به همراه نوسانات محیطی و با تاثیری که بر تامین مالی برون سازمانی دارند، به سادگی منجر به سرمایه‌گذاری غیرکارا و تغییر در عملکرد مورد انتظار مدیر می‌شود. در نهایت، ساختار مالکیت و استقلال هیئت مدیره منجر به کنترل رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیر شده و شرایط را برای کنترل عملکرد مدیر فراهم می‌سازد. عبدلی، قیومی و پرتوی (۱۳۹۲) نشان دادند که بین تغییر حسابرس و اندازه مؤسسه حسابرسی با میانگین ارقام تجدید ارائه شده در صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود دارد. به نحوی که با چرخش و تغییر حسابرس، میزان اقلامی که در صورت‌های مالی تجدید ارائه می‌شود، کاهش می‌یابد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ نتیجه اجرا، از نوع کاربردی، از نظر فرآیند اجرا، کمی، از نظر هدف، توصیفی و از نظر بعد زمانی، طولی است. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است در روش کتابخانه‌ای مبانی نظری پژوهش از کتاب‌ها و مجلات تخصصی فارسی و انگلیسی استفاده شده و همچنین از آرشو آماری

سازمان بورس اوراق بهادار تهران و سایت رسمی سازمان بورس و دیگر پایگاه‌های اینترنتی مرتبط استفاده شده است. در نهایت، به منظور بررسی و تحلیل فرضیه‌های مطرح شده مطابق با مبانی نظری، از رویکرد رگرسیونی با استفاده از نرم افزار ایویوز و استاتا استفاده شده است.

جامعه آماری و نحوه انتخاب شرکت‌ها

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از سال ۱۳۸۷ به بعد در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند. جامعه آماری با اعمال محدودیت‌هایی که آن هم به واسطه انقطاع زمانی مشخص برای انجام آزمون و استخراج داده‌ها است، محدود می‌شود. به عبارت دیگر، نمونه آماری شامل جامعه آماری است که با محدودیت‌های زیر، تعدیل می‌شوند:

(۱) سال مالی آنها به ۲۹ اسفند ختم شود. این محدودیت به آن سبب است که قابلیت مقایسه جهت بررسی و برآورد متغیرها در اختیار باشد.

(۲) در طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ نماد معاملاتی آنها برای بیش از یک سوم روزهای معاملاتی سال بسته نشده باشد. این محدودیت نیز بواسطه اندازه‌گیری متغیرها، بویژه متغیر بازده سهام است. بسته بودن نماد معاملاتی یک سهم برای مدت طولانی، خود موجب بی‌میلی سهامداران و در نتیجه کاهش رقابت‌پذیری سهم می‌شود.

(۳) شرکت از جمله صنایع واسطه‌گری مالی و لیزینگ‌ها نباشد. علت این امر، آن است که این شرکتها خود به عنوان سرمایه‌گذاران نهادی فعال در بازار سرمایه محسوب شده و اثر فعالیت آنها در مدل‌ها دیده شده است. ضمن این که این شرکت‌ها تابع سازوکارهای خاص متفاوت با سایر شرکت‌های فعال در دیگر صنایع هستند.

در نهایت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی در این تحقیق، شامل ۹۳۶ سال-شرکت بوده است. جدول غربالگری شرکت‌های مورد مطالعه به شرح زیر ارایه شده است.

تعداد	شرح
۳۶۷	تعداد شرکت‌های بورسی
(۸۳)	شرکت‌های واسطه‌گری مالی، لیزینگ‌ها، سرمایه‌گذاری، بیمه و بانک‌ها
(۲۸)	شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند نیست
(۴۶)	شرکت‌هایی که در طی دوره زمانی مورد مطالعه در بورس پذیرش شده‌اند
(۱۳۸)	شرکت‌هایی که اطلاعات حق‌الزحمه حسابرسی را افشا نکرده بودند
۷۲	شرکت‌های نمونه

مدل‌ها

این پژوهش به دنبال بررسی اثر تعاملی پاداش مازاد و صلاحیت حسابداری مدیران بر تجدید ارائه صورت‌های مالی است. بدین منظور از مدل‌های زیر برای بررسی فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است:

مدل ۱ جهت بررسی فرضیه‌های اول تا سوم:

$Misstatement_{it}$

$$\begin{aligned}
 = & \alpha_0 + \alpha_1 ACC_Competnce_{it} + \alpha_2 Excess_comp_{it} \\
 & + \alpha_3 Excess_comp_{it} * ACC_Competnce_{it} + \alpha_4 ROA_{it} \\
 & + \alpha_5 NBS_{it} + \alpha_6 CFO_{it} + \alpha_7 InvRec_{it} + \alpha_8 Liquid_{it} \\
 & + \alpha_9 Loss_{it} + \alpha_{10} MTB_{it} + \alpha_{11} Leverage_{it} \\
 & + \alpha_{12} Return_{it} + \alpha_{13} Big_{it} + \alpha_{14} MA_Score_{it} \\
 & + \alpha_{15} Size_{it} + \alpha_{16} Tenure_{it} + \alpha_{17} Delay_{it} \\
 & + \alpha_{18} B_Ind_{it} + \alpha_{19} Weak_IC_{it} + \alpha_{20} VIX_{it} \\
 & + \alpha_{21} B_Size_{it} + \alpha_{22} B_Meet_{it} + \varepsilon_{it}
 \end{aligned}$$

مدل ۲ جهت بررسی فرضیه‌های چهارم تا ششم:

$$\begin{aligned}
 LnFee_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 ACC_Competnce_{it} + \alpha_2 Excess_comp_{it} \\
 & + \alpha_3 Excess_comp_{it} * ACC_Competnce_{it} \\
 & + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 NBS_{it} + \alpha_6 CFO_{it} + \alpha_7 InvRec_{it} \\
 & + \alpha_8 Liquid_{it} + \alpha_9 Loss_{it} + \alpha_{10} MTB_{it} \\
 & + \alpha_{11} Leverage_{it} + \alpha_{12} Return_{it} + \alpha_{13} Big_{it} \\
 & + \alpha_{14} MA_Score_{it} + \alpha_{15} Size_{it} + \alpha_{16} Tenure_{it} \\
 & + \alpha_{17} Delay_{it} + \alpha_{18} B_Ind_{it} + \alpha_{19} Weak_IC_{it} \\
 & + \alpha_{20} VIX_{it} + \alpha_{21} B_Size_{it} + \alpha_{22} B_Meet_{it} + \varepsilon_{it}
 \end{aligned}$$

در مدل‌های مذکور:

Misstatement تجدید ارائه صورت‌های مالی؛ ACC_Competence صلاحیت

حسابداری؛ LnFee حق الزحمه حسابرسی؛ Excess_comp پاداش مازاد؛ ROA بازده دارایی؛ NBS تعداد بخش‌های تجاری؛ CFO جریان وجه نقد عملیاتی؛ InvRec نسبت دارایی جاری؛ Liquid نسبت آنی؛ Loss زیان شرکت؛ MTB ارزش بازار به ارزش دفتری؛ Leverage اهرم مالی؛ Return بازده سهام؛ Big اندازه موسسه حسابرسی؛ MA_Score توانایی مدیران؛ Size اندازه شرکت؛ Tenure دوره تصدی مدیرعامل؛ Delay تاخیر در گزارش حسابرسی؛ Weak_IC ضعف کنترل‌های داخلی؛ VIX عدم اطمینان محیطی؛ B_MEET تعداد جلسات هیئت مدیره؛ B_IND استقلال هیئت مدیره و B_SIZE اندازه هیئت مدیره است.

متغیرهای وابسته

تجدید ارائه صورت‌های مالی: متغیر مجازی است که اگر صورت‌های مالی دوره جاری شرکت تجدید ارائه شوند عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد. فقط تجدید ارائه‌هایی مدنظر است که منجر به تغییر رقم سود یا زیان شرکت شود.

حق الزحمه حسابرسی: از لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی به دست می‌آید که مستخرج از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی بخش هزینه‌های اداری تشکیلاتی است.

متغیرهای مستقل

صلاحیت حسابداری: صلاحیت حسابداری متغیری مجازی است که اگر مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره دارای تجربه حسابرسی قبلی تحت عنوان شریک یا مدیر در یک موسسه حسابرسی باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد.

پاداش مازاد: برای محاسبه پاداش مازاد، از مدل زیر استفاده شده است. به پیروی از کور و همکاران^{۱۸} (۲۰۰۸) دلیل استفاده از این مدل کاهش نگرانی‌های مربوط به مشکلات درون‌زایی است. مدل مذکور برای هر سال برآزش شده و باقیمانده خطا بیانگر پاداش مازاد است.

مدل ۵

$$\begin{aligned} \text{Comp}_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{Tenure}_{it} + \alpha_2 \text{ACC}_{\text{Competnce}_{it}} + \alpha_3 \text{MA}_{it} \\ & + \alpha_4 \text{Sale}_{it-1} + \alpha_5 \text{MTB}_{it-1} + \alpha_6 \text{ROA}_{it} \\ & + \alpha_7 \text{ROA}_{it-1} + \alpha_8 \text{Return}_{it} + \alpha_9 \text{Return}_{it-1} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

در مدل مذکور:

Comp پاداش پرداختی؛ ACC_Competence صلاحیت حسابداری؛ ROA بازده دارایی؛ MTB ارزش بازار به دفتری؛ Return بازده سهام؛ MA توانایی مدیران و Tenure دوره تصدی مدیرعامل است.

متغیرهای کنترلی

بازده دارایی‌ها: از نسبت سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها به دست می‌آید. **تعداد بخش‌های تجاری:** برابر با تعداد بخش‌های تجاری فعال در شرکت است. **جریان نقد عملیاتی:** عبارت است از جریان نقد عملیاتی شرکت بوده که مستخرج از صورت جریانهای نقدی است. **نسبت آتی:** برابر با نسبت دارایی‌های جاری پس از کسر موجودی کالا به مجموع بدهی‌های شرکت است.

نسبت جاری: برابر با نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری است. **زیان شرکت:** اگر نتیجه عملیات شرکت در سال جاری زیان باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می‌پذیرد. **ارزش بازار به ارزش دفتری:** از طریق نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود.

اهرم مالی: برابر با نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌های شرکت است. **بازده سهام:** عبارت است از تغییر قیمت سهام در سال جاری نسبت به سال قبل که سود نقدی نیز به آن اضافه می‌شود.

اندازه حسابرس: اگر حسابرسی توسط سازمان حسابرسی صورت پذیرفته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد. **دوره تصدی حسابرس:** تعداد سال‌های است که حسابرس مسئولیت حسابرسی صاحبکار را به عهده دارد.

اندازه شرکت: برابر با لگاریتم مجموع دارایی‌های شرکت است.

ضعف کنترل‌های داخلی: متغیری مجازی است که اگر شرکت در سال مورد رسیدگی دارای ضعف کنترل‌های داخلی بر مبنای گزارش حسابرس مستقل (به علت عدم وجود دستورالعمل صدور گزارش کنترل‌های داخلی در سال‌های پیشین) یا گزارش کنترل‌های داخلی باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌پذیرد.

استقلال هیئت مدیره: برابر با نسبت مدیران غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره شرکت است.

اندازه هیئت مدیره: برابر با تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت است.
تعداد جلسات هیئت مدیره: برابر با تعداد جلسات برگزار شده هیئت مدیره در یک سال است.

تاخیر در گزارش حسابرسی: برابر با تعداد روزهای بین پایان سال مالی و تاریخ گزارش حسابرسی شرکت است.

توانایی مدیریت: در پژوهش حاضر، به منظور اندازه‌گیری توانایی مدیریت از مدل دمیرجیان و همکاران^{۱۹} (۲۰۱۲) استفاده شده است. به منظور اندازه‌گیری کارآیی شرکت از مدل تحلیل پوششی داده‌ها و به صورت زیر محاسبه شده است:

مدل ۶

$$\text{Max}_v \theta =$$

Sales

$$v_1 \text{CoGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{NetPPE} + v_4 \text{OpsLease} + v_5 \text{R\&D} + v_6 \text{Goodwill} + v_7 \text{Intan}$$

که در آن:

CoGS بهای تمام شده کالای فروش رفته در سال t ، SG&A هزینه‌های عمومی اداری و فروش در سال t ، NetPPE خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات در ابتدای سال t ، OpsLease هزینه اجاره عملیاتی در سال t ، R&D هزینه تحقیق و توسعه در سال t ، Goodwill سرقتی خریداری شده در ابتدای سال t و Intan مانده خالص دارایی نامشهود در ابتدای سال t است. مقدار محاسبه شده برای کارآیی شرکت در محدوده صفر تا یک قرار می‌گیرد که حداکثر کارآیی برابر یک و هر چه مقدار به دست آمده کمتر باشد یعنی کارآیی شرکت پایین‌تر است. دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲) به منظور کنترل اثر ویژگی‌های ذاتی شرکت در مدل خود کارآیی شرکت را به دو بخش جدا یعنی کارآیی بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت، تقسیم کرده‌اند. آنها این کار را با استفاده از کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت انجام داده‌اند. هر کدام از این متغیرها به عنوان ویژگی‌های ذاتی شرکت، می‌توانند به مدیریت کمک کنند تا تصمیمات بهتری اتخاذ کنند یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی مدیریت را محدود نمایند. در مدل ۷ این ویژگی‌ها کنترل شده است.

مدل ۷

$$\text{Firm Efficiency} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Size}_{it} + \alpha_2 \text{Marketshare}_{it} + \alpha_3 \text{FCF}_{it} + \alpha_4 \text{Age}_{it} + \alpha_5 \text{FCI}_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن، SIZE اندازه شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت، MarketShare سهم بازار شرکت و برابر با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت، FCF جریان نقد آزاد شرکت، Age عمر بورسی شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس پذیرفته شده است، FCI نیز متغیر مصنوعی است و برای شرکت‌هایی که صادرات داشته‌اند برابر یک در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است و باقی‌مانده مدل ($\varepsilon_{i,t}$) نیز نشان‌دهنده میزان توانایی مدیریت است.

عدم اطمینان محیطی: برای سنجش عدم اطمینان محیطی از انحراف معیار تغییرات درآمد فروش طی یک دوره ۳ ساله استفاده شده است. استفاده از انحراف استاندارد برای اندازه‌گیری عدم اطمینان محیطی توسط محققانی از جمله کوتاری و همکاران^{۲۰} (۲۰۰۲)، دیچو و تانگ^{۲۱} (۲۰۰۹) و انواری رستمی و کیانی (۱۳۹۴) مطرح و بکار گرفته شده است.

یافته‌ها

آمار توصیفی

برای ارائه یک نمای کلی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه شده، در جدول ۱ برخی از آمارهای توصیفی این متغیرها، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و اکثر مشاهدات ارائه شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
تجدید ارائه صورت‌های مالی	۰/۳۹۰	۰/۰۰۰	۰/۴۸۸	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
صلاحیت حسابداری	۰/۰۷۱	۰/۰۰۰	۰/۴۳۲	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
حق‌الزحمه حسابرسی	۲۰/۵۸۳	۲۰/۶۱۵	۰/۷۹۰	۲۲/۸۲۲	۱۸/۹۵۱
پاداش مازاد	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۱۳۶	۰/۴۵۳	-۰/۷۱۳
بازده دارایی	۰/۱۴۹	۰/۰۵۷	۰/۳۱۸	۱/۹۵۵	-۰/۸۳۲
تعداد بخش‌های تجاری	۳/۱۴۷	۳/۰۰۰	۱/۳۸۰	۱۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
جریان نقد عملیاتی	۰/۲۲۲	۰/۱۹۱	۰/۲۵۲	۰/۹۶۰	-۰/۷۲۴
نسبت جاری	۱/۲۷۴	۱/۲۷۹	۰/۵۰۷	۲/۶۱۵	۰/۴۲۳
نسبت آنی	۰/۷۷۰	۰/۷۱۹	۰/۰۸۴	۱/۷۹۹	۰/۰۸۴
زیان شرکت	۰/۲۴۲	۰/۰۰۰	۰/۴۲۹	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
ارزش بازار به دفتری	۱/۳۵۴	۱/۴۵۹	۰/۷۸۵	۲/۹۸۸	-۰/۳۹۰
اهرم مالی	۰/۶۱۱	۰/۶۱۱	۰/۲۴۷	۱/۷۲۳	۰/۰۱۳
بازده سهام	۰/۱۱۲	۰/۰۷۹	۰/۳۱۲	۰/۹۸۸	-۰/۹۴۶
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰	۰/۴۱۳	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
دوره تصدی حسابرس	۳/۳۸۰	۳/۰۰۰	۲/۷۸۸	۱۴/۰۰۰	۱/۰۰۰
اندازه شرکت	۶/۰۵۳	۶/۰۷۵	۰/۵۶۸	۸/۳۸۸	۴/۶۹۷
ضعف کنترل‌های داخلی	۰/۲۱۱	۰/۰۰۰	۰/۴۰۸	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	۰/۶۸۷	۰/۸۰۰	۰/۱۷۸	۰/۴۰۰۰	۱/۰۰۰
اندازه هیئت مدیره	۵/۱۵۸	۵/۰۰۰	۰/۴۵۲	۷/۰۰۰	۵/۰۰۰
تعداد جلسات هیئت مدیره	۱۵/۱۳۳	۱۳/۰۰۰	۲/۸۶۶	۲۴/۰۰۰	۱۲/۰۰۰
تاخیر در گزارش حسابرسی	۸۶/۱۷۹	۷۸/۰۰۰	۲/۴۰۲	۱۲۱/۰۰۰	۶۱/۰۰۰
توانایی مدیر	۰/۰۱۶	۰/۰۰۷	۰/۱۵۹	۰/۰۲۷	-۰/۰۵۱
عدم اطمینان محیطی	۰/۱۵۶	۰/۰۷۹	۰/۱۸۳	۰/۹۴۸	۰/۰۰۲

میانگین متغیر تجدید ارائه در صورت‌های مالی برابر با ۰/۳۹ است که بیانگر تجدید
 رایه اقلام تاثیر گذار بر سود (زیان) در بین بخش محدودی از شرکت‌های مورد مطالعه
 است. میانگین صلاحیت حسابداری نشان می‌دهد که بیش از ۷ درصد از مدیران شرکت
 دارای تجربه حسابرسی در سمت شریک یا مدیر حسابرسی هستند. میانگین بازده دارایی
 ۰/۱۴۹ بوده و نشان می‌دهد به ازای هر ۱۰۰ ریال سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها تقریباً ۱۵ ریال
 بازدهی ایجاد شده است. میانگین ۳/۱۴۷ برای بخش‌های تجاری بیانگر محدود بودن تعداد

بخش‌های تجاری در شرکت‌ها است. میانگین نسبت جاری و آنی به ترتیب برابر با ۱/۲۷۴ و ۰/۷۷ است که بیانگر رویکرد محافظه کارانه در نگهداشت دارایی‌های قابل تبدیل به نقد به منظور ایفای تعهدات آتی است. میانگین متغیر زیان شرکت ۰/۲۴ بوده که نشان‌دهنده زیان‌ده بودن بخش محدودی از شرکت‌های مورد بررسی است که با توجه به بازده ۱۱ درصدی سهام قابل توجیه است. ارزش میانگین ۱/۳۵۴ برای نسبت ارزش بازار به دفتری نشان دهنده فرصت‌های رشد برای شرکت‌ها مورد مطالعه است. میانگین اهرم مالی برابر با ۰/۶۱ است که نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از مصارف شرکت از محل بدهی‌ها تأمین مالی شده است. میانگین متغیر اندازه موسسه حسابرسی بیانگر بکارگیری سازمان حسابرسی توسط ۲۱ درصد از شرکت‌های مورد مطالعه است. میانگین ۳/۳۸۰ برای دوره تصدی حسابرس نشان‌دهنده محدود بودن تداوم انتخاب موسسات حسابرسی است. میانگین متغیرهای اندازه شرکت و ضعف کنترل‌های داخلی به ترتیب برابر با ۶/۰۵۳ و ۰/۲۱ بوده که بیانگر بالا بودن نسبی ضعف‌های کنترلی در بین شرکت‌های مورد مطالعه است. میانگین اندازه هیئت مدیره و نسبت اعضای غیرموظف به ترتیب برابر با ۵/۱۵۸ و ۰/۶۸۷ می‌باشد و بیانگر این است که بخش عمده‌ای از شرکت‌های مورد مطالعه دارای هیات مدیره مستقل هستند. میانگین متغیر تاخیر در گزارش حسابرس نشان‌دهنده فاصله ۸۶ روزه بین پایان سال مالی و تاریخ ارائه گزارش حسابرسی است. میانگین ۱۵ درصدی عدم اطمینان محیطی بیانگر عدم ثبات در روند فروش شرکت‌های بورس اوراق بهادار است. با مقایسه میانگین و میانه متغیرها می‌توان گفت که ارزش بخش عمده‌ای از میانگین‌ها، بزرگ‌تر از میانه‌ها است که نشان‌دهنده انحراف منطقی در توزیع هر متغیر است.

قبل از برازش مدل‌ها لازم است آزمون F لیمر به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای مدل بالا انجام شود. نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای مدل پژوهش در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون F لیمر برای مدل‌های تحقیق

مدل تحقیق	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل ۲	۶/۵۹۳۰	۰/۰۰۰۰	مدل اثرات ثابت

با توجه به آماره و سطح خطای آزمون F لیمر و رد فرضیه H_0 ، لازم است برای انتخاب از بین مدل داده‌های تابلویی با اثرات ثابت یا داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی،

آزمون هاسمن نیز انجام شود. نتایج مربوط به آزمون هاسمن نیز در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون هاسمن برای مدل‌های تحقیق

مدل تحقیق	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل ۲	۶/۶۳۳۱	۰/۰۰۰۰	مدل اثرات ثابت

همانطور که در جدول ۳ قابل مشاهده است، نتایج حاکی از رد نشدن فرضیه H_0 برای مدل پژوهش بوده، در نتیجه مدل داده‌های تابلویی با اثرات ثابت ارجح است. بنابراین، برای تخمین مدل پژوهش از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت استفاده شده است. در پژوهش حاضر، از آزمون فیشر (LR) جهت بررسی معناداری کل مدل استفاده شده است. جدول ۴ نتایج حاصل از برآورد مدل‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴: نتایج حاصل از برآورد مدل ۱ تحقیق

مدل ۱		متغیر	
VIF	آماره Z	ضریب	
۱/۰۸	-۰/۱۲۴۱	-۰/۰۰۳۷	صلاحیت حسابداری (A)
۱/۱۰	۲/۹۵۴۴	۰/۱۹۱۲	پاداش مزاد (B)
-	۲/۶۰۴۳	۰/۳۴۱۳	A*B
۱/۱۳	-۳/۲۳۰۲	-۰/۲۵۶۰	بازده دارایی
۱/۲۵	۴/۵۰۷۷	۰/۰۱۸۹	تعداد بخش‌های تجاری
۱/۰۳	-۱/۷۴۹۳	-۰/۱۰۲۲	جریان نقد عملیاتی
۱/۱۴	-۲/۲۷۸۶	-۰/۱۵۲۲	نسبت جاری
۱/۳۰	۲/۷۲۴۲	۰/۲۶۹۷	نسبت آنی
۱/۲۶	۰/۵۲۰۱	۰/۰۲۰۲	زیان شرکت
۱/۰۹	-۱/۰۳۴۷	-۰/۰۲۳۶	ارزش بازار به دفتری
۱/۰۵	-۴/۰۸۱۶	-۰/۲۱۳۶	اهرم مالی
۱/۴۱	-۰/۵۰۳۱	-۰/۰۲۹۱	بازده سهام
۱/۲۳	۲/۱۸۳۷۱	۰/۱۸۹۲	اندازه موسسه حسابداری
۱/۰۸	۲/۰۷۰۱	۰/۱۱۳۰	توانایی مدیر
۱/۰۴	-۴/۹۲۸۳	-۰/۳۳۷۶	اندازه شرکت
۱/۱۶	۱/۳۵۶۹	۰/۷۴۸۴	دوره تصدی حسابرسان
۱/۰۹	-۰/۴۸۹۳	۰/۰۵۴۶	تاخیر در گزارش حسابداری

مدل ۱			متغیر
VIF	آماره Z	ضریب	
۱/۱۹	۳/۴۱۹۹	۰/۰۰۴۹	استقلال هیئت مدیره
۱/۳۲	-۰/۸۹۷۶	-۰/۰۰۵۷	ضعف کنترل‌های داخلی
۱/۰۴	-۱/۲۰۰۴	-۰/۰۰۴۳	عدم اطمینان محیطی
۱/۱۱	-۱/۷۴۴۰	-۰/۱۴۴۲	اندازه هیئت مدیره
۱/۰۲	۰/۰۳۰۷	۰/۰۰۲۴	تعداد جلسات هیئت مدیره
-	۳/۳۳۶۸	۱/۷۶۸۸	جز ثابت
	۰/۶۱۸۰		آماره مک فادن
	(۰/۴۵۲۱) ۰/۵۱۷۹		آماره وولدریج
	(۰/۲۲۰۸) ۰/۸۶۱۵		آزمون ناهمسانی
	۷/۲۳۸۵		آماره LR
	۰/۰۰۰۰		احتمال آماره LR

بر اساس مدل ۱، فرضیه اول پژوهش مبنی بر این که پاداش مازاد مدیران تاثیر معناداری بر تجدید ارائه صورت‌های مالی دارد، با توجه به این که کوچکتر از ۵ درصد (آماره Z ۲/۹۵۴۴) می‌باشد، رد نشده است. به عبارتی، با افزایش پاداش مازاد، تجدید ارائه صورت‌های مالی نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه دوم پژوهش مبنی بر این که صلاحیت حسابداری مدیران تاثیر معناداری بر تجدید ارائه صورت‌های مالی دارد، رد شده است. همان طور که مشاهده می‌شود و بر اساس جدول ۴ آماره Z برابر ۰/۱۲۴۱- است و نمی‌توان فرضیه دوم را در سطح خطای ۵ درصد تایید کرد. به عبارتی، صلاحیت حسابداری مدیران منجر به تغییر معنادار تجدید ارائه صورت‌های مالی نمی‌شود.

فرضیه سوم پژوهش مبنی بر این که صلاحیت حسابداری مدیران تاثیر معناداری بر ارتباط بین پاداش مازاد و تجدید ارائه صورت‌های مالی دارد، رد نشده است. همان طور که مشاهده می‌شود آماره Z برابر ۲/۶۰۴۳ است که بیانگر رد نشدن فرضیه سوم در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که صلاحیت حسابداری مدیران همزمان با افزایش پاداش مازاد، منجر به افزایش احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌گردد.

بر اساس نتایج تخمین مدل‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های پژوهش معنادار است. در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن مدل پذیرفته می‌شود. همچنین، با توجه

به مقدار آماره‌ی وولدریج می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های پژوهش مشکل خود همبستگی ندارد.

جدول ۵: نتایج حاصل از برآورد مدل ۲

مدل ۲		متغیر
VIF	ضریب آماره Z	
۱/۰۸	-۱/۷۳۰۹	صلاحیت حسابداری (A)
۱/۱۰	-۱/۲۱۱۶	پاداش مازاد (B)
-	۲/۶۹۴۴	A*B
۱/۱۳	-۰/۲۱۳۴	بازده دارایی
۱/۲۵	-۱/۵۲۴۷	تعداد بخش‌های تجاری
۱/۰۳	۱/۸۴۱۶	جریان نقد عملیاتی
۱/۱۴	۴/۰۷۵۵	نسبت جاری
۱/۳۰	-۳/۵۶۳۵	نسبت آنی
۱/۲۶	۵/۷۴۷۵	زبان شرکت
۱/۰۹	۲/۳۲۷۸	ارزش بازار به دفتری
۱/۰۵	۵/۰۸۶۲	اهرم مالی
۱/۴۱	۰/۹۵۷۴	بازده سهام
۱/۲۳	۳/۱۳۱۸	اندازه موسسه حسابرسی
۱/۰۸	۰/۶۹۳۷	توانایی مدیر
۱/۰۴	۳/۴۴۰۷	اندازه شرکت
۱/۱۶	-۰/۹۰۶۴	دوره تصدی حسابرس
۱/۰۹	-۱/۰۷۵۵	تاخیر در گزارش حسابرسی
۱/۱۹	-۱/۳۳۱۸	استقلال هیئت مدیره
۱/۳۲	-۱/۷۱۱۴	ضعف کنترل‌های داخلی
۱/۰۴	-۵/۲۳۶۹	عدم اطمینان محیطی
۱/۱۱	۲/۷۴۰۹	اندازه هیئت مدیره
۱/۰۲	-۲/۰۷۴۰	تعداد جلسات هیئت مدیره
-	۳/۰۶۶۷	جز ثابت
	۰/۵۸۴۹	ضریب تعیین
	۰/۴۹۳۰	ضریب تعیین تعدیل شده
	۲/۴۱۴۴	آماره‌ی دورین-واتسون
	(۰/۵۲۷۸) ۰/۳۶۷۳	آماره وولدریج
	(۰/۳۲۱۷) ۰/۵۸۷۹	آزمون ناهمسانی
	۶/۲۲۵۲	آماره F
	۰/۰۰۰۰	احتمال آماره F

بر اساس مدل ۲، فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر این که پاداش مازاد مدیران تاثیر معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد، رد شده است. همان طور که مشاهده می‌شود و بر اساس جدول ۴ آماره t برابر $1/2116$ - است که بیانگر عدم تایید فرضیه چهارم در سطح خطای ۵ درصد است. به عبارتی، پاداش مازاد منجر به تغییر معنادار حق الزحمه حسابرسی نمی‌گردد.

فرضیه پنجم مبنی بر این که صلاحیت حسابداری مدیران تاثیر معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد، رد نشده است. همان طور که مشاهده می‌شود آماره t برابر $1/7309$ - است که بیانگر تایید شدن فرضیه پنجم در سطح خطای ۱۰ درصد است. نتایج حاکی از این است که با افزایش صلاحیت حسابداری مدیران، احتمال تحریف صورت‌های مالی افزایش یافته و ریسک ناشی از آن منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌گردد.

فرضیه ششم پژوهش مبنی بر این که صلاحیت حسابداری مدیران تاثیر معناداری بر ارتباط بین پاداش مازاد و حق الزحمه حسابرسی دارد، رد نشده است. همان طور که مشاهده می‌شود آماره t برابر $2/6944$ است که بیانگر رد نشدن فرضیه ششم در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که تعامل پاداش و صلاحیت حسابداری مدیران منجر به افزایش احتمال تغییر گزارشگری مالی شده و حساب‌رسان به منظور کنترل ریسک عدم کشف، تلاش خود را افزایش داده و حق الزحمه بالاتری درخواست می‌کنند.

بر اساس نتایج تخمین مدل‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های پژوهش معنادار است. در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن مدل پذیرفته می‌شود. همچنین، با توجه به مقدار آماره‌ی وولدریج و بروش‌پاگان می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های پژوهش مشکل خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس ندارد.

تحلیل حساسیت

راهبری شرکتی، پاداش و حق الزحمه حسابرسی

نقش پاداش مدیران در کیفیت گزارشگری مالی توجه فعالان و قانون‌گذاران را به خود جلب کرده است زیرا چندین رسوایی بزرگ حسابداری انگیزه‌های مدیریتی را برای دستکاری سود در جهت منافع مالی شخصی برجسته کرده است. شرکت‌ها تلاش‌های زیادی را برای تقویت سیستم‌های گزارش‌دهی مالی با توجه به شکست‌های متعدد مالی

انجام داده‌اند (دیویس و های^{۲۲}، ۲۰۱۲). سرمایه‌گذاران خواستار هم‌راستایی منافع مدیران با منافع سهامداران هستند و از عدم شفافیت و قراردادهای ناسازگار با منافع سهامداران انتقاد می‌کنند. رویکردهای فکری و یافته‌های بسیاری در مورد پاداش مدیرعامل بر اساس انگیزه و اثرات بالقوه آن بر حسابرسی وجود دارد. یکی از این رویکردها ریشه در توجه حسابرسان به خطر تقلب بالقوه ناشی از پاداش مبتنی بر انگیزه دارد. در واقع، پاداش به طور خاص در استانداردهای حسابرسی و ارزیابی خطر تقلب گنجانده شده است. حجم وسیعی از پژوهش‌ها از این ایده حمایت می‌کند که چنین پاداش‌هایی می‌تواند به دلایل مختلف مدیریت را برای درگیر شدن در گزارشگری متقلبانه برانگیزد (به عنوان مثال، به حداکثر رساندن ثروت). این ادبیات نشان می‌دهد که پاداش مدیرعامل می‌تواند منافع بین سهامداران و مدیریت را تغییر داده و منجر به ایجاد مشکلات نمایندگی شود (فنگ و همکاران^{۲۳}، ۲۰۱۱).

تحقیقات مختلف از این دیدگاه حمایت می‌کند که راهبری شرکتی با ریسک‌های صاحبکار برای تأثیرگذاری بر حق الزحمه حسابرسی تعامل دارند. بدارد و جانستون (۲۰۰۴) دریافتند که ارتباط بین خطر گزارش نادرست مالی و حق الزحمه حسابرسان زمانی که صاحبکار ساختار راهبری شرکتی ضعیفی دارد، به طور قابل توجهی بالاتر است.

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد تحلیل حساسیت

متغیر	ضریب	آماره t	معناداری
پاداش مازاد (A)	۰/۲۵۶	۴/۱۱۵	۰/۰۰۰
راهبری شرکتی (C)	-۱/۴۲۳	-۲/۱۵۲	۰/۰۳۱
A*C	-۰/۸۰۲	-۳/۰۹۴	۰/۰۰۲
بازده دارایی	۰/۰۱۲۵	۰/۲۶۳	۰/۷۹۱
تعداد بخش‌های تجاری	۰/۰۸۳۳	۰/۵۴۲	۰/۵۸۷
جریان نقد عملیاتی	۰/۵۸۹	۱/۸۸۶	۰/۰۵۹
نسبت جاری	-۰/۹۴۶	-۱/۸۰۵	۰/۰۷۱
نسبت آتی	-۰/۴۴۵	-۰/۹۲۳	۰/۳۵۶
زیان شرکت	-۰/۳۵۱	-۱/۵۴۲	۰/۱۲۳
ارزش بازار به دفتری	۰/۰۸۵	۲/۵۵۵	۰/۰۱۰
اهرم مالی	۰/۰۰۱	۳/۲۴۲	۰/۳۸۰
بازده سهام	۰/۳۴۹	۱/۰۰۵	۰/۰۵۰
اندازه موسسه حسابرسی	-۰/۳۲۵	-۳/۵۲۹	۰/۰۰۴

متغیر	ضریب	آماره t	معناداری
توانایی مدیر	-۰/۰۰۷	-۰/۰۸۷	۰/۹۳۱
اندازه شرکت	۰/۱۳۹	۰/۹۹۵	۰/۳۲۶
دوره تصدی حسابرس	۰/۱۷۹	۲/۰۸۰	۰/۰۳۷
تاخیر در گزارش حسابرسی	-۰/۰۸۲	-۱/۱۸۷	۰/۲۳۵
استقلال هیئت مدیره	۰/۱۱۵	۴/۰۲۵	۰/۰۰۰
ضعف کنترل‌های داخلی	-۰/۰۱۱	-۰/۱۲۱	۰/۹۰۳
عدم اطمینان محیطی	۰/۰۴۱	۰/۹۶۶	۰/۳۳۳
اندازه هیئت مدیره	۰/۱۳۶	۲/۹۸۵	۰/۰۰۲
تعداد جلسات هیئت مدیره	-۰/۱۷۱	-۲/۴۴۲	۰/۰۱۴
جز ثابت	۰/۱۳۴	۱/۸۰۳	۰/۰۷۱
آزمون چاو		۰/۰۰۰	
آزمون هاسمن		۰/۰۰۰	
ضریب تعیین		۰/۵۱۴	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۶۲	
آماره F		۶/۱۲۰	
احتمال آماره F		۰/۰۰۰	

همان طور که مشاهده می‌شود، تحلیل حساسیت صورت گرفته مبنی بر تاثیر معنادار راهبری شرکتی بر ارتباط بین پاداش و حق الزحمه حسابرسی، دارای سطح خطای کمتر از ۵ درصد بوده (۰/۰۰۲) و بنابراین، می‌توان ابراز داشت که راهبری شرکتی منجر به تعدیل معنادار ارتباط بین پاداش و حق الزحمه حسابرسی می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تجدید ارائه صورت‌های مالی بر مبنای پاداش مازاد و صلاحیت مدیران، مورد مطالعه قرار گرفته است. موسسات حسابرسی و هیئت مدیره شرکت‌ها به عنوان استفاده‌کنندگان اصلی از نتایج تحقیق، توان بهبود رویکردهای مبتنی بر ریسک از بعد حسابرسی و کنترل‌های داخلی را دارا هستند. به نحوی که موسسات حسابرسی وضعیت برنامه‌ریزی و نمونه‌گیری را با در نظر گرفتن ریسک ناشی از صلاحیت حسابداری مدیران تعدیل کرده و هیئت‌مدیره‌ها نیز با شناخت و آگاهی‌یابی نسبت به توان فرصت‌طلبی این دسته از مدیران، امکان تقویت سیستم کنترل داخلی را پیدا می‌کنند.

فرضیه اول پژوهش مبنی بر این که پاداش مازاد تاثیر معناداری بر تجدید ارائه صورتهای مالی دارد، تایید شده است. نتایج حاصل از این فرضیه مشابه نتایج پژوهش ویساکی^{۲۴} (۲۰۱۰) می‌باشد. پاداش مدیران تاکید بر پرداخت‌های کوتاه مدت (سالانه) دارد که ممکن است مشکلاتی را برای شرکت ایجاد کند. با تاکید بر نتایج کوتاه مدت تصمیم‌های سرمایه‌گذاری مدیر نیز بر اساس طرح‌های سالانه صورت می‌گیرد و ممکن است مدیر سایر طرح‌ها را به خاطر بازدهی آن‌ها در بلندمدت رد کند، به عبارتی برای رسیدن به هدف خود سود را دست‌کاری کند. به عبارتی، مدیرانی که درصد بالایی پاداش به صورت سالانه دریافت می‌کنند، انگیزه‌های بیشتری نیز برای تحریف صورتهای مالی دارند.

فرضیه دوم پژوهش مبنی بر این که صلاحیت حسابداری مدیران تاثیر معناداری بر تجدید ارائه صورتهای مالی دارد، رد شده است. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش لو و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی ندارد. انتظار بر این بود که صلاحیت حسابداری مدیران منجر به دست‌کاری و تحریف صورتهای مالی در جهت منافع شخصی شود زیرا این دسته از مدیران توانایی بالایی در پنهان ساختن تحریف داشته و نسبت به رویکرد حساب‌برسان در بررسی اقلام صورتهای مالی آگاهی دارند. دلیل عدم تایید این فرضیه را می‌توان محافظه‌کاری مدیران در جهت حفظ منافع و موقعیت شغلی فعلی ابراز داشت و بدون وجود انگیزه (پاداش) تمایل برای تحریف صورتهای مالی کاهش می‌یابد.

فرضیه سوم پژوهش مبنی بر این که صلاحیت حسابداری مدیران تاثیر معناداری بر ارتباط بین پاداش مازاد و تجدید ارائه صورتهای مالی دارد، تایید شده است. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج پژوهش جیانگ و همکاران^{۲۵} (۲۰۰۹) همخوانی دارد. هنگامی که دریافت پاداش بر مبنای عملکرد حسابداری یا همان سودآوری باشد به احتمال زیاد مدیران سعی در دست‌کاری اقلام برآوردی و تعهدی برای دستیابی به سود بالاتر را دارند زیرا، می‌خواهند ارزش پاداش خود را حداکثر سازند (جیانگ و همکاران، ۲۰۰۹). در همین راستا، مدیران دارای پیشینه حسابرسی (صلاحیت بالا) توانایی بالاتری در تحریف صورتهای مالی (جنبه منفی صلاحیت حسابداری مدیران) در جهت دستیابی به منافع شخصی دارند. به عبارتی، با توجه به تجربه حسابرسی و نیز انگیزه دریافت پاداش، احتمال تحریف در صورتهای مالی افزایش می‌یابد.

فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر این که پاداش مازاد تاثیر معناداری بر حق‌الزحمه حسابرسی دارد، رد شده است. نتایج نشان می‌دهد که لزوماً پاداش منجر به تغییرات در حق‌الزحمه حسابرسی نمی‌شود. نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش‌های سجادی و همکاران (۱۳۹۳) تطابق ندارد ولی با پژوهش آلبریچت و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد. مبنای تغییر حق‌الزحمه، ریسک حسابرسی است و تغییر در پاداش مازاد نمی‌تواند به تنهایی بیانگر تغییر در ریسک حسابرسی باشد. در شرکت‌هایی که مدیران از جایگاه بالاتری برخوردار هستند، توانایی ترغیب هیئت‌مدیره برای بکارگیری حسابرسان با کیفیت حسابرسی پایین‌تر را دارند. به عبارتی، انتخاب حسابرسان با رتبه اعتباری پایین منجر به کاهش نظارت خارجی بر تصمیمات اتخاذ شده در درون شرکت می‌شود. بنابراین، حق‌الزحمه حسابرسی در این شرایط تحت تاثیر پاداش مازاد قرار نمی‌گیرد.

فرضیه پنجم پژوهش مبنی بر این که صلاحیت حسابداری مدیران تاثیر معناداری بر حق‌الزحمه حسابرسی دارد، تایید شده است. نتایج نشان می‌دهد که صلاحیت حسابداری مدیران منجر به کاهش نگهداشت وجه نقد، دستیابی راحت‌تر به بازارهای سرمایه و حساسیت کمتر به شوک‌های نقدی می‌شود. به عبارتی، پیشینه حسابرسی مدیران منجر به بهبود عملکرد و کیفیت اطلاعات حسابداری و کاهش ریسک حسابرسی می‌گردد که در نتیجه آن حق‌الزحمه حسابرسی کاهش می‌یابد. نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش‌های کاستودیو و متزر^{۲۶} (۲۰۱۴) تطابق دارد.

فرضیه ششم پژوهش مبنی بر این که صلاحیت حسابداری مدیران تاثیر معناداری بر ارتباط بین پاداش مازاد و حق‌الزحمه حسابرسی دارد، تایید شده است. ویساکي (۲۰۱۰) نشان داد که حسابرسان بخشی از ریسک حسابرسی را منتج از انگیزه پاداش مدیران در نظر می‌گیرند و این ریسک را در قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی لحاظ می‌کنند. به عبارتی، تجربه قبلی مدیران در زمینه حسابرسی همزمان با انگیزه پاداش منجر به استفاده منفی مدیران از توانایی خود در جهت منافع شخصی شده و با توجه به شناخت گسترده نسبت به استانداردهای حسابداری و پیچیدگی‌های عملیاتی، توانایی پنهان‌سازی تحریف در صورت‌های مالی افزایش یافته و بنابراین، متناسب با افزایش ریسک، حق‌الزحمه حسابرسی نیز افزایش می‌یابد. نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش‌های کیم و همکاران^{۲۷} (۲۰۱۵) تطابق دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، هیات‌مدیره‌ها می‌بایستی نسبت به کنترل رویکردهای

پرداخت پاداش توجه بیشتری داشته باشند زیرا، در صورت عدم اجرای رویه‌های مربوط به آن مدت زمان زیادی لازم است که پیامدهای عملکردی مشخص گردند. پیشنهاد می‌شود که هیات مدیره نسبت به ریسک و فرصت‌های مرتبط با تغییرات در عوامل رفتاری مدیرعامل آگاهی داشته باشند زیرا، ممکن است فرصتی برای بهبود عملکرد، کاهش ریسک و یا به تاخیر انداختن پیامدهای منفی سرمایه‌گذاری فراهم شود. به عبارتی، کنترل و جهت دادن به توانایی مدیران در راستای اتخاذ تصمیمات بهینه منجر به افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری می‌شود. مدل‌های کنونی صلاحیت حسابداری مبتنی بر این فرض هستند که صلاحیت حسابداری منجر به کارایی عملکرد مدیریت شده و انگیزه‌های پاداش و نگرش مدیریت در نظر گرفته نشده است.

به منظور تکمیل نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود در آینده به بررسی تاثیر صلاحیت حسابداری بر اعتماد به نفس بیش از اندازه پرداخته شود و در راستای درک اثرات صلاحیت به بررسی اثر آن بر مدیریت سود واقعی پرداخته شود.

در پژوهش حاضر محدودیت‌هایی از جمله روش اندازه‌گیری صلاحیت حسابداری و پاداش مازاد وجود دارد. با توجه به این که صلاحیت حسابداری مدیران جز خصوصیات شخصیتی و درونی مدیران بوده و به صورت مستقیم قابلیت اندازه‌گیری و مشاهده ندارد، لازم است در تعمیم‌دهی نتایج دقت شود.

یادداشت‌ها

1. Lennox
2. Trompeter, Carpenter, Jones and Riley
3. Bergstresser and Philippon
4. Harris and Bromiley
5. Nelson, Elliott and Tarpley
6. Banker, Darrough, Huang and Plehn-Dujowich
7. Shleifer and Vishny
8. Core, Holthausen and Larcker
9. Lev, Li, and Sougiannis
10. Wolfe and Hermanson
11. Menon and Williams
12. Kannan, Skantz and Higgs
13. Kim, Li and Li
14. Armstrong, Larcker, Ormazabal and Taylor
15. Fargher, Jiang and Yu
16. Gul, Chen and Tsui
17. Engel, Hayes and Wang
18. Core, Holthausen and Larcker
19. Demerjian, Lev and McVay
20. Kothari, Laguerre and Leone
21. Dichev and Tang
22. Davis & Hay
23. Feng, Ge, Luo, & Shevlin
24. Wysochi
25. Jiang et al
26. Custodio and Metzger
27. Kim, Li and Li

منابع

- انواری رستمی، علی اصغر و کیانی، آیدین. (۱۳۹۴). بررسی نقش عدم اطمینان محیطی در رفتار هزینه‌ها؛ شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله پیشرفت‌های حسابداری*. ۷(۲). ص ۳۳-۵۷.
- رضازاده، جواد و محمدی، عبدالله. (۱۳۹۸). توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*, ۲۶(۲), ۲۱۷-۲۳۸.
- خواجوی، شکرالله؛ قدیریان آرانی، محمدحسین. (۱۳۹۷). توانایی مدیران، عملکرد مالی و خطر ورشکستگی. *دانش حسابداری*, ۹(۱), ۳۵-۶۱.
- سجادی، سید حسین؛ رشیدی باغی، محسن؛ ابوبکری، عبدالرحمن؛ شیرعلی زاده، محسن. (۱۳۹۴). رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و پاداش هیئت مدیره. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*, ۵(۱), ۳۹-۵۸.
- عبدلی، محمدرضا؛ فعال قیومی، علی؛ پرتوی، ناصر. (۱۳۹۲). تأثیر ویژگی‌های حسابرس بر تجدید ارائه صورت‌های مالی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*, ۲۰(۳), ۸۵-۱۰۰.
- Abdoli, M., Gayoumi, A., Partovi, N. (2013). The effects of auditor's characteristics on the financial restatement. *Accounting and Auditing Review*, 20(3), 85-100. [in Persian].
- Aier, J. K., J. Comprix, M. T. Gunlock, and D. Lee. (2005). The financial expertise of CFOs and accounting restatements. *Accounting Horizons* 19 (3): 123-135.
- Albrecht Anne, Elaine G. Mauldin, and Nathan J. Newton (2018). Do auditors recognize the potential dark side of executives' accounting competence?. *The Accounting Review*: 93(6), 1-28.
- Anvari Rostami, A., Kiani, A. (2016). Investigating the role of demand uncertainty in cost behavior; evidences from Tehran Stock Exchange firms. *Accounting advances*, 7(2), 33-57. [in Persian].
- Armstrong, C. S., D. F. Larcker, G. Ormazabal, and D. J. Taylor. (2013). The relation between equity incentives and misreporting: The role of risk-taking incentives. *Journal of Financial Economics* 109 (2): 327-350.
- Banker, R. D., M. N. Darrough, R. Huang, and J. M. Plehn-Dujowich. (2013). The relation between CEO compensation and past performance. *The Accounting Review* 88 (1): 1-30.
- Bedard JC, Johnstone KM, (2004). Earnings manipulation risk, corporate governance risk, and auditors' planning and pricing decisions, *Accounting Review*, 79(2):277-304.

- Bergstresser, D., and T. Philippon. (2006). CEO incentives and earnings management. *Journal of Financial Economics* 80: 511–529.
- Boyle, D. M., F. T. DeZoort, and D. R. Hermanson. (2015). The effect of alternative fraud model use on auditors' fraud risk judgments. *Journal of Accounting and Public Policy* 34 (6): 578–596.
- Brown, T. J. (2014). Advantageous comparison and rationalization of earnings management. *Journal of Accounting Research* 52 (4): 849–876.
- Chen, G. and Keung, E. C. (2018). Corporate diversification, institutional investors and internal control quality. *Journal of Accounting and Finance*, 58: 751-786.
- Cheng, Q., J. Lee, and T. Shevlin. (2016). Internal governance and real earnings management. *The Accounting Review*, 91 (4): 1051–1085.
- Core, J. E., R. W. Holthausen, and D. F. Larcker. (1999). Corporate governance, chief executive officer compensation, and firm performance. *Journal of Financial Economics* 51 (3): 371–406.
- Custodio, C., and D. Metzger. (2014). Financial expert CEOs: CEO's work experience and firm's financial policies. *Journal of Financial Economics* 114 (1): 125–154.
- Davis, M., & Hay, D. (2012). An analysis of submissions on proposed regulations for audit and assurance in New Zealand. *Australian Accounting Review*, 22(3), 303–316
- Demerjian, P., Lev, B. & McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58(7): 1229-1248.
- Dichev, I. D., & Tang, V. W. (2009). Earnings volatility and earnings predictability. *Journal of Accounting and Economics*, 47 (1), 160-181.
- Dikolli, S. S., W. J. Mayew, and D. Nanda. (2014). CEO tenure and the performance-turnover relation. *Review of Accounting Studies* 19 (1): 281–327.
- Engel, E.M, Hayes, R.M, Wang, X, (2010), Audit committee compensation and the demand for monitoring of the financial reporting process, *Journal of Accounting and Economics*, this issue, doi:10.1016/j.jacceco.2009.08.001.
- Ettredge, M., S. Scholz, K. R. Smith, and L. Sun. (2010). How do restatements begin? Evidence of earnings management preceding restated financial reports. *Journal of Business Finance and Accounting* 37 (3/4): 332–355.
- Fargher, N., A. Jiang, and Y. Yu. (2014). How do auditors perceive CEO's risk-taking incentives? *Accounting and Finance* 54 (4): 1157–1181.
- Feng, J., Ge, W., Luo, S., & Shevlin, T. (2011). Why do CFOs

- become involved in material accounting manipulations? *Journal of Accounting and Economics*, 51(1-2), 21-36.
- Gul, F. A., C. J. P. Chen, and J. S. L. Tsui. (2003). Discretionary accounting accruals, managers' incentives, and audit fees. *Contemporary Accounting Research* 20 (3): 441-464.
- Harris, J., and P. Bromiley. (2007). Incentives to cheat: The influence of executive compensation and firm performance on financial misrepresentation. *Organization Science* 18 (3): 350-367.
- Hennes, K. M., A. J. Leone, and B. P. Miller. (2008). The importance of distinguishing errors from irregularities in restatement research: The case of restatements and CEO/CFO turnover. *The Accounting Review* 83 (6): 1487-1519.
- Hribar, P., J. Kim, R. Wilson, and H. Yang. (2012). *Counterparty Responses to Managerial Overconfidence*. Working paper, The University of Iowa and University of Pennsylvania.
- Jiang, J, Petroni, K and Wang, I. (2009), "CFOs and CEOs: who has the most influence on earnings management?", *Journal of Financial Economics*, 513-26.
- Jones, K. L., G. V. Krishnan, and K. D. Melendrez. (2008). Do models of discretionary accruals detect actual cases of fraudulent and restated earnings? An empirical analysis. *Contemporary Accounting Research* 25 (2): 499-531.
- Kalelkar Rachana and Khan Sarfraz (2016). CEO financial background and audit pricing. *Accounting Horizons*, 30(3), 325-339.
- Kannan, Y. H., T. R. Skantz, and J. L. Higgs. (2014). The impact of CEO and CFO equity incentives on audit scope and perceived risks as revealed through audit fees. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 33 (2): 111-139.
- Khajavi, S., Ghadirian Arani, M. (2018). Managerial ability, financial performance and bankruptcy risk. *Accounting knowledge*, 9(1), 35-61. (In Persian)
- Kim, Y., H. Li, and S. Li. (2015). CEO equity incentives and audit fees. *Contemporary Accounting Research* 32 (2): 608-638.
- Kim, Y., H. Li, and S. Li. (2015). CEO equity incentives and audit fees. *Contemporary Accounting Research* 32: 608-638.
- Kothari, S. P., Laguerre, T. E., & Leone, A. J. (2002). Capitalization versus expensing: Evidence on the uncertainty of future earnings from capital expenditures versus R & D outlays. *Review of Accounting Studies*, 7 (4), 355-382.
- Lennox, C. (2005). Audit quality and executive officers' affiliations with CPA firms. *Journal of Accounting and Economics* 39 (2):

201–231.

- Lev, B., S. Li, and T. Sougiannis. (2010). The usefulness of accounting estimates for predicting cash flows and earnings. *Review of Accounting Studies* 15 (4): 779–807.
- Li, C., L. Sun, and M. Ettredge. (2010). Financial executive qualifications, financial executive turnover, and adverse SOX 404 opinions. *Journal of Accounting and Economics* 50 (1): 93–110.
- Menon, K., and D. D. Williams. (2004). Former audit partners and abnormal accruals. *The Accounting Review*, 79 (4): 1095–1118.
- Nelson, M. W., J. A. Elliott, and R. L. Tarpley. (2002). Evidence from auditors about managers' and auditors' earnings management decisions. *The Accounting Review*, 77 (Supplement): 175–202.
- Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB). (2015c). *Identifying and Assessing Risks of Material Misstatement*. Auditing Standard (AS) 2110. Washington DC: PCAOB.
- Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB). (2015e). *Consideration of Fraud in a Financial Statement Audit*. Auditing Standard (AS) 2401. Washington DC: PCAOB.
- Rezazadeh, J., Mohammadi, A. (2019). Managerial ability, political connections and fraudulent financial reporting. *Accounting and Auditing Review*, 26(2), 217-238. [in Persian].
- Sajadi, S., rashidi, M., abobakri, A., Shiralizade, M. (2015). The relationship between auditing fees and board compensation. *Empirical Research in Accounting*, 5(1), 39-58. [in Persian].
- Shleifer, A., and R. W. Vishny. (1989). Management entrenchment: The case of manager-specific investments. *Journal of Financial Economics* 25 (1): 123–139.
- Swanquist, Q. T., and R. L. Whited. (2015). Do clients avoid “contaminated” offices? The economic consequences of low-quality audits. *The Accounting Review* 90 (6): 2537–2570.
- Trompeter, G. M., T. D. Carpenter, K. L. Jones, and R. A. Riley. (2014). Insights for research and practice: What we learn about fraud from other disciplines. *Accounting Horizons*, 28 (4): 769–804.
- Wolfe, D. T., and D. Hermanson. (2004). The fraud diamond: Considering the four elements of fraud. *CPA Journal*, 74 (12): 38–42.
- Wysochi, P. (2010). corporate compensation policies and audit fees, *journal of accounting and economics*, 49, 155-160.